

«مهدی مهدوی کیا» در روز دوم مرداد ماه 1356 در تهران متولد شد، او که از بچگی علاقه زیادی به فوتبال داشت در دوران نوجوانی از زمینهای خاکی محله شان (دولاب) جذب باشگاه بازیکن ساز بانک ملی شد و با پشتکار مثال زدنی به باشگاه پرترفدار پرسپولیس پیوست. وضعیت مهدی در پرسپولیس، اوایل چندان جالب نبود اما با آمدن استانکو وضعیت به کلی تغییر کرد تا او ضمن تثبیت موقعیت خود در باشگاه محبوبش به تیم ملی امید ایران راه پیدا کند. افتخارات و موفقیت‌های مهم ورزشی وی از سال 75 شروع شد و محمد مایلی کهن در موفقیت‌های او سهم بزرگی دارد زیرا پس از محرومیت نعیم سعداوی پیستون راست تیم ملی، حاجی مایلی دست به ریسک بزرگی زد و مهدوی کیا مهاجم شناخته شده فوتبال کشورمان را به پیستون راست تیم ملی تبدیل کرد. مهدی با زدن دو گل به چین شایستگی های خود را اثبات کرد و گرچه در بازیهای بعدی در کار گلزنی کمتر موفق بود ولی حرکت‌های پی در پی او که با سرعت ذاتی اش همراه بود بارها بلای جان حریفان شد. مهدی به همراه دیگر ملی پوشان فوتبال ایران در یکقدمی جام جهانی بودند که تیم دچار مشکلات درونی شد و از صعود مستقیم بازماند تا فوتبال ایران شانس خود را در پلی آف (بازیهای حذفی) آزمایش کند. و حالا دنباله ماجرا...

استرالیا غول نیست

تیم ملی که به خاطر خوش خیالی مربیان و بازیکنان از درون ضربه خورد و صعود مستقیم به جام جهانی را از دست داد، در بازی با ژاپن هم که در واقع مسابقه پلی آف (حذفی) آسیا بود نیز با بدشانسی

مواجه شد تا تنها شانس این تیم حضور در بازی پلی آف آسیا و اقیانوسیه باشد. تیم ملی در حالی که اوضاع خوبی نداشت و با استرسی که بر همه ایرانیان از اعضای تیم ملی گرفته تا تماشاگران و دوستداران فوتبال وارد شده بود می بایست برای تعیین آخرین مسافر فرانسه به مصاف استرالیا قهرمان قاره اقیانوسیه می رفت. ملی پوشان در این برهه از زمان دور از چشم تماشاگران تمرینات آماده سازی را دنبال کردند. مهدی که در تمام مسابقات قبلی ایران (15 بازی) بازیکن ثابت تیم بود باز هم امید داشت خاطرات خوب قبلی همچون حماسه دالیان را تکرار کند او امیدوار و با نشاط تمرین می کرد که در اردو خبر درگذشت عمویش را دریافت کرد... او که به خیلی علاقمند بود سریعاً از اردو خارج و روانه منزل شد تا به همراه خانواده در مراسم تدفین او شرکت کند. مهدی حتی می خواست از بازی مقابل استرالیا انصراف دهد که با پادرمیانی مربیان و بازیکنان با سابقه منصرف شد.

طبق قرعه اعلام شده از سوی فیفا قرار شد تا بازی رفت ایران و استرالیا روز اول آذرماه در تهران و بازی برگشت یک هفته بعد در ملبورن برگزار شوند. استرالیا تیم قدرتمندی بود که اکثر بازیکنان آن در اروپا و خصوصاً لیگ برتر انگلستان بازی می کردند؛ مربیگری این تیم نیز برعهده تری ونبلز مربی مشهور انگلیسی بود که در جام ملتهای اروپای 96 سکاندار تیم ملی انگلستان بود. ایران خود را آماده بازی با استرالیا کرده بود که حریف اعلام کرد حاضر نیست به ایران سفر کند. رئیس فدراسیون فوتبال استرالیا مدعی شد که در

ایران امنیت کافی برقرار نیست و وی حاضر نیست جان بازیکنانش را
به خطر بیندازد!!؟

ادعای عجیب استرالیایی ها علاوه بر اینکه مسابقه پلی آف را تحت
الشعاع قرار داد باعث اتحاد و همبستگی بیشتر در نزد بچه های ایران
شد... ملی پوشان ما که غرور ملی خود را جریحه دار شده می دیدند
همقسم شدند تا هر طور شده از مانع استرالیا گذشته و به جام جهانی
برسند. فدراسیون فوتبال ایران هم بیکار ننشست و اعتراض خود را
به گوش مسئولان کنفدراسیون آسیا و فیفا رسانید که در نهایت با
رأی فیفا استرالیا مجبور به سفر و پذیرش شرایط میزبان شد.

مهدی ساخت، خداداد نواخت

ورزشگاه آزادی در روزی که یکصد هزار تماشاگر را روی سکوهای
خود می دید میزبان بازی رفت بود. استرالیا با این نفرات وارد زمین
شد مارک بوسنیچ، کریک مور، استیو هوروات، الکس توبین، مارک
ویدمار، روبی اسلاتر، کریگ فوستر، نذرلیک، اولیور ویدمار، تونی
ویدمار و هری کیول. بازی آغاز شد و هر چه از زمان آن گذشت
بازیکنان ایرانی بیشتر به ضعفهای حریف پی بردند آنها متوجه شدند
استرالیا چندان هم شکست ناپذیری نیست و می توان از سد این
حریف قدر هم گذشت یک اشتباه از خط دفاعی همه چیز را بر هم زد
تا حریف با یک گل پیش بیفتد.

مهدی و همبازیانش دست بردار نبودند؛ بارها با جنگندگی و دوندگی
خود را به دروازه میهمان رساندند اما بدشانسی تنها مانع کامیابی آنها
بود. مهدوی کیا، عزیزی و استیلی بیشتر از دیگران دوندگی می

کردند این سه نفر در سمت راست یک مثلث هجومی را تشکیل داده و بارها همبازیان دیگر خود را در موقعیت گلزنی قرار دادند.

دقیقه چهارم بود؛ کابوس شکست و خداحافظی از جام جهانی بر سر بازیکنان ایرانی سنگینی می کرد. در یک لحظه توپ به حمید استیلی رسید و او با سانتری خوب به تغذیه مهدوی کیا پرداخت مهدی توپ را در سمت راست دریافت کرد و در حالی که الکس توبین را در کنار خود داشت با سانتری زیبا و دقیق آن را به دهانه دروازه استرالیا فرستاد تا خداداد عزیزی که آنجا حاضر بود با تیزهوشی و ضربه ای بغل پا قفس توری حریف را لرزانده و ورزشگاه را غرق شادی کند. در مورد این گل باید فقط چهار کلمه گفت: مهدی ساخت، خداداد نواخت. نیمه دوم ایران تیم برتر سراسر میدان بود ولی باز هم بدشانسی گریبانگیر تیم شد تا ایرانیها پیروزی را به چشم خود نبینند. تیم ملی در روزی با استرالیا مساوی کرد که بر حریف برتری بی چون و چرائی داشت، اما این مسابقه یک حسنی برای ملی پوشان ما داشت و آن اینکه ترس بازیکنان ما و خصوصاً جوانترها ریخت تا آنها دیگر از استرالیا برای خود غول نسازند

یک روز فراموش نشدنی برای ایرانیها

تیم ملی پس از بازی رفت تمرینات خود را جدی تر پیگیری کرد.

روز هشتم آذر (1367) برای همه ایرانیان یک روز فراموش نشدنی است از آن با عناوین بسیاری همچون حماسه ملبورن، حماسه فوتبال، جشن ملی ورزش و ... یاد می شود. در اینروز ورزشگاه

کریکت گرانده ملبورن در حالی که هفتاد هزار تماشاگر را در خود جای داده بود میزبان دلاوران ایران شد.

استرالیایی های مغرور که در تهران به خوبی پذیرایی شده بودند در خانه خود بر خورد شایسته ای را با کاروان ایران نداشتند، آنها در مراسم قبل از بازی پرچم خود را در کنار پرچمن 31 کشور صعود کرده به جام جهانی قرار دادند تا به این نحو روحیه ایرانیها را تضعیف کنند، اما تقدیر خداوند چیز دیگری بود...

بازیکنان تیم ملی ایران در رختکن حلقه اتحاد تشکیل داده و قسم خوردند تا در این روز باعث سرافرازی کشورشان شوند. عابدزاده کاپیتان تیم سعی می کرد با شوخی و خنده های خود به جوانترها مثل مهدی مهدوی کیا و پاشازاده روحیه بدهد.

تیم ایران با این نفرات پشت سر عابدزاده از زیر قرآن رد و با رمز بسم الله وارد زمین شدند: خاکپور، پاشازاده، پیروانی، سعداوی، شاهرودی، باقری، استیلی، دایی، عزیزی و مهدوی کیا. این مسابقه حساس و سرنوشت ساز که در آسیا از طریق شبکه آسیا اسپورت و در اروپا از شبکه ویرواسپورت بطور مستقیم پخش شد با حملات کوبنده میزبان و عقب نشینی اجباری ایران آغاز شد، استرالیایی ها دروازه ایران را آماج حملات خود قرار دادند که اگر درخشش عابدزاده و نفرات خط دفاعی نبود چه بسا سنگین ترین شکست تاریخ فوتبال ایران در همان نیمه اول رقم می خورد. بچه های ایران با صبر و حوصله دقایق ابتدایی را سپری کردند و کم کم داشتند از زیر فشار حملات حریف شانه خالی می کردند که میزبان در اواخر نیمه نخست به گل رسید.

در رختکن ویرا سرمربی تیم ملی از بازیکنان خواست که تمرکز خود را از دست ندهند، او خطاب به شاگردانش گفت که هیچ برنامه و تاکتیک خاصی ندارد و آنها می توانند در نیمه دوم بازی معمولی خودشان را انجام دهند... ویرا معتقد بود توان بازیکنان ایران بیش از این حرفهاست... مهدی قبل از ورود به زمین به سراغ دکتر ذوالفقارنسب رفت و کمی با او درد دل کرد و دکتر از مهدی یک چیز خواست: اینکه فقط خودش باشد (منظور بازی همیشگی اش). بازی در نیمه دوم شروع شد و باز هم برتری میزبان بود ه به رخ می کشید، چند دقیقه گذشت و آنها گل دوم را هم زدند و اینجا بود که کم کم ذهنیت حذف ایران پررنگ تر شد. بغض گلوی مهدی را می فشرد. در دل با خدای خود راز و نیاز می کرد... باورش سخت بود؛ یکسال زحمت، اردو، مسابقات و ماه ها صدرنشینی در گروه، عدم صعود مستقیمف شکست ناباورانه مقابل ژاپن، بدشانسی های بازی رفت با استرالیا و ... همه در نظر پدیدار شدند.

سریال دالیان در ملبورن تکرار شد!

در اوایل نیمه دوم یک اتفاق جالب رخ داد؛ یک تماشاگر خشن و بی نزاکت استرالیائی با ورود به زمین و کندن تور دروازه ایران از آن آویزان شد که با دخالت مأموران امنیتی ماجرا فیصله پیدا کرد. این حرکت زشت در حالی رخ داد که مسئولان ورزش استرالیا قبل از بازی رفت تماشاگران فهیم ایرانی را محکوم به خشونت می کردند... و از همین لحظه بود که ورق برگشت و حماسه ملبورن رقم خورد. پشتکها و خنده های عابدزاده روحیه بچه ها را ترمیم کرد تا آنها با تمام قدرت بیست دقیقه پایانی را سپری کنند. مهدی از این زمان

یکی از مؤثرترین افراد بود، او با حرکت‌های انفجاری خود به کمک تیم ملی کشورش آمد. پاس مهدوی کیا، تلاش چشمگیر تهامی تازه وارد و پاس نهایی عزیزی باعث شد تا باقری گلزنی کرده و فاصله کمتر شود. این گل بدان معنا بود که ایران با یک گل دیگر به جام جهانی می‌رود، پس بچه‌ها بیش از پیش به خود آمدند و همین زمان بود که ضربه عابدزاده و پاس دایی، خداداد عزیزی را به مصاف مارک بوسنیچ (دروازه بان) فرستاد تا ضربه فنی این یکی بازی را مساوی کرده و سند حضور ایران در فرانسه آماده شود و فقط یک چیزی باقی بود، امضای این سند که در واقع هان یازده دقیقه جهنمی ملبورن بود. گل خوشبوی خداداد باعث شد تا سکوت مرگباری بر کریکت گراند حاکم شود. وقت قانونی تمام شد ولی ساندروپل داور سرشناس مجارستانی وقتها اضافی را اعلام کرد... هر لحظه یک خطر و ایران زیر حملات پایداری می‌کرد. خانواده مهدی مثل بقیه خانواده‌های ایرانی از پای تلویزیون این مسابقه را تماشا می‌کردند. زهرا مادر مهدی استرس زیادی داشت او که به علت بیماری دلشوره و استرس برایش مضر بود گهگاهی به آشپزخانه می‌رفت تا جریان بازی را نبیند اما نگرانی ول کن او نبود خصوصاً وقتی که ندزلیک به سختی روی مهدی خطا کرد. فقط دعا می‌کرد و لحظات پایانی را در سجده بود و مدام ذکر می‌گفت؛ حماسه سازان ملبورن و در رأس آنها احمدرضا عابدزاده هشت دقیقه زیر فشار حملات حریف مقاومت کردند تا جشن صود ایران در پیش چشم تماشاگران استرالیائی برگزار شود. وقتی قاضی میدان سوت پایان بازی را زد ملی پوشان ایران یکدیگر را در آغوش گرفته و همگی سجده شکر بجا آوردند.

پیروزی در استرالیا، جشن ملی در ایران

پس از بازی ایرانیان سراسرجهان به جشن و پایکوبی پرداختند. در استرالیا ایرانیان مقیم این کشور با اعضای تیم ملی همگام شده، جشن و سرور بر پا کردند. در کشورهای عربی، آمریکا، آلمان و شرق آسیا نیز جشن پیروزی ایران برپا شد اما در ایران حکایت چیز دیگری بود. مردم پس از بازی به خیابانها ریخته و تا پاسی از شب به شادی خود را با خانواده اینان تقسیم کردند. جمع کثیری از مردم ورزشدوست با تجمع در جلوی درب منزل مهدوی کیا (خیابان سادات، کوچه فولادی) به شادی و پایکوبی مشغول شدند آنها که قصد ورود به منزل مهدوی کیا را داشتند با ممانعت و عذرخواهی مادر مهدی مواجه شدند. مادر مهدی ضمن تشکر، به مردم قدرشناس اعلام کرد که خانواده ایشان در غم از دست دادن عموی مهدی عزادار است و نمی تواند پذیرای مردم باشد. مادر وقتی شور و اشتیاق مردم را دید با بچه ها به خیابان آمده و در مقابل درخواست مردم چند عکس مهدی را نیز با خود همراه آوردند. آن شب برای مهدی، خانواده اش و تمام ایرانیان شبی فراموش نشدنی است. شب بود که مهدی تلفنی با مادر و برادرانش صحبت کرد.

مهدی مهدوی کیا) متولد 1 مرداد ۱۳۵۶) یکی از بازکنان تیم ملی فوتبال ایران است

مهدی در باشگاههای بانک بوخوم و هامبورگ آلمان بازی کرده است
ملی، پرسپولیس

در سال ۲۰۰۳ از طرف کنفدراسیون فوتبال آسیا به عنوان بازیکن برتر فوتبال آسیا شناخته شد. او در سال 1998 به باشگاه بوخوم پیوست و در سال 1999 به هامبورگ رفت و در حال حاضر با تجربه ترین بازیکن هامبورگ است.